



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۷/۲۴

یونس نگاه

## در باره سیاست و خشونت نوشته ادریس رحمانی

ادریس رحمانی سیاست را به میدان مسابقه‌ی رزمی تشبیه کرده است که در آن خشونت و زورگویی کارسازتر از اندیشمندی است. او از عبدالرشید دوستم به‌عنوان فرد موفق سیاست یاد کرده که توانایی او در خلق خشونت را گویا فارسی‌زبان‌های شمال افغانستان جدی نگرفته و مسخره می‌کرده‌اند (عکس ضمیمه). آقای رحمانی می‌گوید یکی از خطاهای مردم افغانستان این است که خشونت را در کودکان سرکوب می‌کنند. او در سیاست خود را پیرو ریالیزم می‌خواند و ریالیزم را به خونسردی، دوری جستن از عواطف و منفعت‌جویی خشک و بدون توجه به هیچ‌گونه معیار اخلاقی خلاصه کرده است. با این روش آقای رحمانی تصویر اشتباهی از اتفاقات افغانستان، روحیه مردم و باورهای آنان ارائه می‌کند. او باور دارد که یکی از علت‌های شکست سیاست‌مداران افغانستان نادیده گرفتن نقش خشونت است و خانواده‌ها بخاطر سرکوب خشونت در کودکان به این ناکامی کمک کرده‌اند. در حالی که در ریالیزم سیاسی خشونت عریان و فی‌الذات هیچ ارزش ندارد بلکه خشونت محاسبه شده‌ای که نتایج نهایی آن سودمند باشد مجاز پنداشته می‌شود. مثلاً سرکوب سارقان برای تامین امنیت راه، سرکوب مهاجمان برای جلوگیری از غارت و تجاوز در ریالیزم سیاسی موجه است. این خشونت البته خشونت جمعی، دستگاهی و اداری است نه خشونت فردی و خونخواری قومندان‌منشانه. خشونت عریان و تربیت جنگلی که دوستم، گلبدین، مزاری، حفیظ‌الله امین، نجیب الله، احمدشاه مسعود و حقانی بزاید نه در گذشته باعث پیروزی شده و نه در آینده پیروزی به‌بار خواهد آورد. در میان افراد یاد شده نجیب و مسعود موفقیت سیاسی بیشتر داشتند. علت آن توانایی سازمان‌دهی و ظرفیت اداری و فکری بیشتر آنان بود نه برجستگی شخصی‌شان در اعمال خشونت. آقای رحمانی دوستم را برای ازبیک‌ها بسیار پر دست‌آورد خوانده است. این خطای محاسباتی او ناشی از توجه بیش‌ازحد به میکانیزم‌ها و شکلیات است و نه پیروزی در سیاست، بردن‌هایی میدان و آوردن تغییر بنیادی است نه شمردن بوکس‌ها، گورهای دستجمعی، فتح سنگر و زخم‌هایی که به جان حریف می‌گذارد. پیروزی آن است که سیاست و تدبیر یا اعمال فشار و حتی خشونت به وادی آزادی، برکت و همراهی مردم منتهی شود. با این حساب در افغانستان نه رهبران طالب و نه هیچ یکی از رهبران تنظیمی پیش از طالبان پیروزی داشته است. خلاف ادعای آقای رحمانی توسل به خشونت، بی‌عاطفه‌گی و عدم پایبندی به اخلاق در شکست رهبران و تنظیم‌ها نقش داشته است. سیاست‌مداران ما کوتاه‌اندیش، خشن، دهاتی، زورگو و تکرر بوده‌اند و ازین‌رو برد نداشته‌اند. خانواده‌های افغانستان از محیط جنگلی که در آن هرکس باید منفعت شخصی لحظه‌ای خود را تعقیب کند، به تربیت مدنی که آدم‌ها به ارزش منافع جمعی و درازمدت آگاه شوند، ارتقا نیافته‌اند. خانواده‌های افغانستان زندگی را میدان خروس‌جنگی، بزکشی و سگ‌جنگی تصور می‌کنند که در آن کار تیمی، تدبیر، دوراندیشی، گذشت، عاطفه و تحمل جای ندارد بلکه تنها راه زنده ماندن لگد کردن دیگران و چون خروس جنگی همیشه آماده حمله بودن

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

است. آن ریالیزمی که آقای رحمانی از آن صحبت می‌کند، سیاست نیولیبرالیستی است که در آن جامعه مفهوم ندارد و جهان جولان‌گاه خواست‌های فردی می‌باشد. برای تغییر افغانستان و پایان این قومندان‌جنگی‌ها باید حس بردباری، تحمل دیگران، ظرفیت دوراندیشی، فکر کردن به پیروزی‌های بزرگ، کار گروهی، آگاهی طبقاتی/صنفی/اجتماعی و درک منافع جمعی را ترویج کنیم.